

قرار می گیرد حضرت فرمود:

منظور، آمیختگی و آمیزش با یتیمان است. و می فرمود: شخصی که در خانه اش یتیمی را سرپرستی اموال می کند، باید از مال خود به قدری که هر انسان خارج می کند جدا کرده و با مال یتیم مخلوط و آن گاه با هم صرف غذا و خوراک کنند، در حالی که هیچ تنقیص و زیانی در این آمیختگی به اموال یتیم وارد نشود، که اگر کم و کاستی صورت گرفت بداند که در آن آتش است.<sup>۱</sup>

در روایتی دیگر است که امام صادق علیه السلام فرمود:

از مال یتیمان به میزانی که نیاز دارند و از مال خود به قدری که کفایت حال تو را کند، خارج ساخته و سپس به هم مخلوط و به صرف خویش و آنان می سازی.<sup>۲</sup> باری در این معنی روایت فراوان آمده است.

\*\*\*

﴿ولانكحوا المشركات حتى يؤمنن ولامه مؤمنة خير من مشركة ولو اعجبكتم ولا تنكحوا المشركين حتى يؤمنوا ولعبد مؤمن خير من مشرك ولو اعجبكم اولئك يدعون إلى النار واللّه يدعو إلى الجنة والمغفرة بإذنه وبين آياته للناس لعلهم يتذكرون﴾ (۲۲۱).  
با زنان مشرک ازدواج نکنید، تا این که ایمان آورند و هر آینه کنیز با ایمان نیکوتر است از زن [آزاد] بت پرست و لو [زیبائی یا جهات دیگر وی] شما را به شگفتی آورد و

۱. الشیخ: یاسناده عن أحمد بن محمد، عن عثمان بن عیسی، عن سماعة، قال: سألت أبا عبد الله علیه السلام عن قول الله عزوجل: ﴿وإن تخالطوهم فإخوانکم﴾. قال: یعنی الیتامی، إذا كان الرجل يلي الأيتام في حجره فليخرج من ماله على قدر ما يحتاج إليه، على قدر ما يخرج له لكل إنسان منهم، فيخالطوهم، و يأكلون جميعا، و لا يرزأن من أموالهم شيئا، إنما هي النار. تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۳۴۰، ح ۹۴۹؛ تفسير البرهان، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۳/۱۱۳۰.

۲. أحمد بن محمد: عن محمد بن الفضيل، عن أبي الصباح الكناني، عن أبي عبد الله علیه السلام، في قول الله عزوجل: ﴿و من كان فقيرا فليأكل بالمعروف﴾. قال: ذلك رجل يحبس نفسه عن المعيشة، فلا بأس أن يأكل بالمعروف، إذا كان يصلح لهم أموالهم فإن كان المال قليلا فلا يأكل منه شيئا. قال: قلت: رأيت قول الله عزوجل: ﴿وإن تخالطوهم فإخوانکم﴾؟ قال: تخرج من أموالهم قدر ما يكفيهم، و تخرج من مالك قدر ما يكفيك، ثم تنفقه. قلت: رأيت إن كانوا يتامى صغارا و كبارا، و بعضهم أعلى كسوة من بعض، و بعضهم آكل من بعض، و مالههم جميعا؟ فقال: أما الكسوة، فعلى كل إنسان منهم ثمن كسوته، و أما الطعام فاجعلوه جميعا، فإن الصغير يوشك أن يأكل مثل الكبير. الكافي، ج ۵، ص ۱۳۰، ح ۵.





به ازدواج در نیاورید مردان مشرك را، تا مؤمن شوند و هر آینه غلام با ایمان بهتر است از مشرك [آزاد] هر چند [ویژگی‌هایی] شما را خوش آیند باشد. این گروه انبازگیر شما را به سوی آتش می خوانند و خداوند و اولیاء او به فرمان و اجازه اش به جانب بهشت و آموزش. و خدا آیات خود را برای مردم به روشنی آشکار می کند و شرح می دهد، تا مگر ایشان پند گیرند و یادآور شوند.

در آیه قبل از آمیزش و اختلاط اموال مدیران اداره امور یتیم تحت شرایطی که مشروط به عدم زیان و تنقیص نسبت به مال یتیم بود، سخن به رفت. در این جا گفتگو از آمیزش و نکاح افراد مسلمان با جامعه مشرك است که می فرماید:

﴿ولا تنكحوا المشركات حتی يؤمن﴾ (۲۲۱).

با زن مشرك ازدواج نکنید، مگر این که ایمان آورند. در اطلاق کلمه مشرك که آبا صاحبان کتاب یعنی: نصاری و یهود را هم شامل می شود، یا منحصر است به مردم بت پرست و بدون کتاب، اختلاف نظر است. در کتاب جواهر باب مربوطه دارد: که ازدواج با مشرکین یعنی بت پرستان و غیر صاحبان کتاب را جوازی نیست. و در این فتوی عامه و خاصه را اتفاق نظر است. ولی نکاح با اهل کتاب مورد اختلاف فقها است. زیرا، دو دسته از روایات در این باره است.

برخی گفته اند که: کلمه «مشرك» به صاحبان کتاب یعنی: ترسا و یهود اطلاق می شود و به آیه ذیل استناد کرده اند که:

﴿وقالت اليهود عزیر ابن الله وقالت النصارى المسيح ابن الله ذلك قولهم بأفواههم يضاهئون قول الذين كفروا من قبل قاتلهم الله أنى يؤفكون﴾ (توبه (۹): ۳۰).

و انتهای آیه است:

﴿سبحانه عما يشركون﴾ (توبه (۹): ۳۱).

و چون نسبت فرزند به خدا دادن خلاف توحید و یگانگی پروردگار می باشد، لذا در آخر آیه تصریح می کند که: خداوند پاک و منزّه است از آنچه که شريك قرار می دهند. بنابراین ازدواج با صاحبان کتاب را، چون سایر مشرکین تحریم نموده اند. بعضی گفته اند که لفظ مشرك شامل گروه‌های بت پرست و غیر صاحبان کتاب

است. یعنی: یهود و نصاری را شامل نمی شود و استناد کرده اند به سوره بینه آنجا که فرمود:

﴿لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ﴾  
(بینه (۹۸): ۱).



کسانی از اهل کتاب که کافر شدند و مردم مشرک منفک و جدا نشدند، تا ایشان را دلیل و حجتی روشن [رسول و کتاب خدا] فرود آمد. و لذا منع ازدواج را منحصر در مورد زنان مشرک دانسته اند، به ویژه که در سوره مائده تصریح است که:

﴿الْيَوْمَ أَحْلَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ وَطَعَامَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّ لَكُمْ وَطَعَامَكُمْ حَلَّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتِ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ﴾ (مائده (۵): ۵).

امروز پاکیزه ها برای شما حلال گردید و خوراک [گندم و حبوبات و سایر موادی که در کتب فقهیه تعیین شده] کسانی که کتاب به آنها داده شد برای شما حلال است و خوراک شما برای ایشان روا و زنان پاکدامن باایمان و زنانی که پیش از شما بایشان کتاب اعطا گردید [یعنی یهود و نصاری].

### [آیا ناسخ بودن آیه صحیح است؟]

و این که برخی آیه مورد بحث را ناسخ این آیه دانسته اند، صحیح به نظر نمی رسد، زیرا سوره مائده آخرین سوره ای است که سمت نزول یافته، بنابراین اگر نسخی وجود داشته باشد باید گفت که آیه مذکور ناسخ آیه مورد بحث است نه به عکس، در حالی که عده ای را نظر آنست که مضمون هر يك از دو آیه در جای خود محفوظ و ناسخ و منسوخ در میان نیست.

### [نکاح با اهل کتاب]

باری به طور خلاصه و کلی می توان گفت: در مورد نکاح با اهل کتاب سه قول است:

برخی را نظر، تحریم مطلق است. چه بصورت عقد دائم یا موقت.

است. یعنی: یهود و نصاری را شامل نمی شود و استناد کرده اند به سوره بینه آنجا که فرمود:

﴿لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ﴾  
(بینه (۹۸): ۱).



کسانی از اهل کتاب که کافر شدند و مردم مشرک منفک و جدا نشدند، تا ایشان را دلیل و حجتی روشن [رسول و کتاب خدا] فرود آمد. و لذا منع ازدواج را منحصر در مورد زنان مشرک دانسته اند، به ویژه که در سوره مائده تصریح است که:

﴿الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّ لَكُمْ وَطَعَامَكُمْ حَلَّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ﴾ (مائده (۵): ۵).

امروز پاکیزه ها برای شما حلال گردید و خوراک [گندم و حبوبات و سایر موادی که در کتب فقهیه تعیین شده] کسانی که کتاب به آنها داده شد برای شما حلال است و خوراک شما برای ایشان روا و زنان پاکدامن باایمان و زنانی که پیش از شما بایشان کتاب اعطا گردید [یعنی یهود و نصاری].

### [آیا ناسخ بودن آیه صحیح است؟]

و این که برخی آیه مورد بحث را ناسخ این آیه دانسته اند، صحیح به نظر نمی رسد، زیرا سوره مائده آخرین سوره ای است که سمت نزول یافته، بنابراین اگر نسخی وجود داشته باشد باید گفت که آیه مذکور ناسخ آیه مورد بحث است نه به عکس، در حالی که عده ای را نظر آنست که مضمون هر يك از دو آیه در جای خود محفوظ و ناسخ و منسوخ در میان نیست.

### [نکاح با اهل کتاب]

باری به طور خلاصه و کلی می توان گفت: در مورد نکاح با اهل کتاب سه قول است:

برخی را نظر، تحریم مطلق است. چه بصورت عقد دائم یا موقت.



و بعضی را جواز مطلق است .

و جمعی هم تفصیل قائل شده اند به این معنا: عقد دائم حرام و عقد موقت را بلامانع دانسته و همین قول اخیر مشهورترین فتاوی است، گرچه برخی جواز مطلق را در عقد موقت با قید کراهت نقل کرده اند .

از طرفی باید دانست که ازدواج زن مسلمان با اهل کتاب را - به صورت دائم یا موقت - کلیه فقها فتوی به حرمت داده اند .

﴿ولامة مؤمنة خیر من مشرکة ولو أعجبتکم﴾ (۲۲۱) .

و هر آینه کنیز و پرستار با ایمان نیکوتر است [در امر ازدواج] از زن [آزاد] مشرک و بی ایمان هر چند [زیبائی و مزایای دیگر او] شما را خوش آیند و به شگفتی آورد .

﴿ولا تنکحوا المشرکین حتی یؤمنوا﴾

و زنان به ازدواج مردان مشرک در نیاورید، مگر این که ایمان بیاورند .

﴿ولعبد مؤمن خیر من مشرک ولو أعجبتکم﴾

و هر آینه بنده و غلام با ایمان بهتر است از مشرک [آزاد و بی ایمان] و اگر چه شما را [قدرت و تمکن یا سایر مزیت ها] خوش نما و شگفت آور باشد زیرا:

﴿اولئک یدعون الی النار﴾

این گروه مشرک به سوی آتش [و دوزخ] می خوانند .

یعنی: باید توجه داشت که فرزندان شما از کودکی در دامن افرادی مشرک و بی ایمان تربیت نشوند، چون کودک از اوان زندگی و حتی دوره بلوغ و جوانی تحت تاثیر افکار و عقاید پدر و مادر است و القاقات و سخنان ناصواب و تفهیم و تعلیم آئین و مرام ناپاک در دل و دماغ اطفال و جوانان رسوخ کرده آنان را به سوی کفر و شرک می کشاند، که فرجامش آتش و سخط الهی است .

در صورتی که: ﴿والله یدعو الی الجنة والمغفرة بإذنه﴾

خداوند [و گروه مومنان] به فرمان و توفیق و اجازه اش به سوی بهشت و آمرزش می خوانند، که فرجامی است سعادت بخش .

﴿و یبیین آیاته للناس لعلهم یتذکرون﴾

و خداوند آیات [تشریحی] خود را بروشنی برای مردم تشریح می کند تا مگر پند گرفته متذکر شوند.

\*\*\*



﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَيْضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَيْضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾  
(۲۲۲)

تو را می پرسند [ای رسول ما] از حیض [عادت خونریزی ماهانه زنان] بگو: آن آزار و رنجی است. پس زنان را در دوران خونریزی کناره گیرید و با ایشان نزدیکی [آمیزش] نکنید، تا پاک شوند. سپس چون پاکیزه شدند از جهتی که شما را خدای فرمان داده وارد و همبستر شوید، تحقیقاً خداوند توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست می دارد.

﴿نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مَلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (۲۲۳).

زنان شما کشتزار شما هستند، هر زمان خواهید به کشت کار خود وارد شوید [مباشرت و آمیزش کنید] و برای خود پیش فرستید و خدایا به پرهیزید. و بدانید که تحقیقاً شما دیدار [ثواب و عقاب] او خواهید نمود و مردم با ایمان را نوید و مرزده بخش.

### لغت

«محيض»: مصدر «حاض يحيض، حيضاً و محيضاً»، به معنای خون روی از زهدان و جهاز تناسلی زن در ایام عادت ماهانه.

«اذى»: آزار، اذیت، رنج، افت، ناخوشی، رنجوری، تالم.

«اعتزال»: کناره جوئی، دوری گزیدن، امتناع از همبستری و آمیزش با زن.

«قرب»: نزدیکی، نزدیکی کردن، مباشرت با زن.

«طهر و طهارت»: پاکی، پاکیزگی، منقطع شدن حیض، غسل نمودن پس از انقطاع